

سیمای امام رضا (ع) در اشعار شعرای شیعی معاصرش

دکتر ابراهیم فلاح
عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۹/۱۳

چکیده

از اغراض شعری که در آثار شاعران شیعی معاصر امام رضا (ع) نمود بیشتری دارد، می‌توان به مدح و رثا و نشر فضائل آن حضرت اشاره نمود. آذین بندی سخن و شعر به فضائل و مناقب ائمه (ع) همواره مورد توجه شعرا و نویسندگان بوده و به گونه‌ای بیانگر اعتقاد و احترام به این بزرگواران و حریم ولایت و امامت است و از سوی پیامبر (ص) و ائمه (ع) مهر جواز یافته است. این پژوهش، با عنوان «سیمای امام رضا (ع) در اشعار شعرای شیعی معاصرش» دعبل، ابونواس، ابراهیم بن عباس صولی درصدد است که درون مایه اشعار این شاعران عرب را در این خصوص مورد بررسی و مذاقه قرار دهد. از آنجایی که شاعران دوستدار و پیرو اهل بیت (ع) که خود را نسبت به بیان حقایق و نشر فضائل این خاندان پاک موظف می‌دانستند، در ایفای رسالت، نهایت توان خود را به کار بستند. و با معرفی نقش پیشوایی و طلایه دارانه آن حضرت در میان امت، بیان مظلومیت و ستمی که بر او رفته بود، بهترین استفاده‌ها را از هنر شعر برده‌اند. و در پایان نتیجه گرفته شده که شاعران معاصر امام به ایفای نقش کارآمدشان در اثبات حقانیت ولایت و زمامداری امام رضا (ع) و همچنین به بیان سجایای اخلاقی و کرامات و مقام علمی و مدح اجداد پاکش و فریاد رس بودن حضرت پرداختند.

واژه‌های کلیدی: امام رضا (ع)، شعر، دعبل، ابونواس، ابراهیم بن عباس صولی.

مقدمه

اهل بیت (ع) اصول کائنات و فروغ‌های الهی و دریای بخشنده هستند، به خاطر عظمت و بزرگی آن‌ها بود که آدم به کرامت سجود فرشتگان مفتخر گشت. از مدرسه آن‌ها علمی ظاهر شد که همانا اسرار وجود است. و در روز قیامت امید مخلوقات می‌باشند. اگر شیوه زندگی آنان سر مشق و الگوی جوامع بشری قرار گیرد، بی‌گمان مشکلات اجتماعی و اخلاقی که بشر کنونی با آن‌ها دست به‌گریبان است از میان خواهد رفت.

از آنجا که شعر، بهترین ابزار رسانه آن روزگار بود که به‌سرعت زبان به زبان می‌گشت و همه جا منتشر می‌شد و آسان در خاطره‌ها نقش می‌بست. از این رو بعضی از شاعران تلاش می‌کنند تا با زبان رسای شعر حقانیت رهبران الهی و حقایق پنهان را به فرهنگ جامعه و شعور اجتماعی منتقل سازند و آن را در طول زمان جاودان نمایند.

تشویق‌های ائمه معصومین (ع)، به خاطر اثر بخشی عمیق شعر در دل انسان‌ها، همواره شعرای متعهد را وا می‌داشت که، درباره فضائل و مناقب و کرامات و منزلت رفیع آن بزرگواران شعر بسرایند.

امام رضا (ع) می‌فرماید: «ما قال فینا مومن شعرا یمد حنا به الا بنی الله تعالی له مدینه فی الجنه اوسع من الدنیا سبع مرات،...» (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۷): (مومنی که درباره ما یک بیت شعر بگوید و ما را مدح کند خداوند شهری در بهشت برای او بنا می‌کند، که هفت بار وسیع‌تر از دنیاست...).

امام رضا (ع) خود شعر می‌سرودند از جمله:

اذا كنت فی خیر فلا تغترر به و لكن قل اللهم سلم وتمم

(دخیل، ۱۹۷۴، ۸۴)

و به اشعار دیگران تمسک می‌جستند و شاعران متعهد معاصر خود را گرامی می‌داشتند و به آنان هدایای مادی و معنوی می‌دادند. هنگامی که ابراهیم بن عباس صولی در مرو خدمت حضرت شرفیاب شد، بعد از این که اشعاری درباره اهل بیت (ع) سرود، امام رضا (ع) بیست هزار درهم که نام مبارکش بر آن‌ها نقش بسته بود به ابراهیم بخشید. (سید مرتضی، ۱۳۷۳، ج ۱ ص ۴۸۵).

همچنین بعد از این که دعبل، قصیده معروف تائیه خود را نزد امام خواند، حضرت ده هزار از سکه‌هایی که اسم شریفش بر آن‌ها بود به او بخشیده و یکی از پیراهن‌های خود را هم به او داد. (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۵۰) و یا ابونواس از دیگر شعرای معاصر امام، هنگامی که اشعارش را درباره امام خواند، حضرت دستور داد سیصد دینار به او بدهند (همان، ج ۲ ص ۱۴۳) در این مقاله، به بررسی اشعار دعبل، ابونواس و ابراهیم بن عباس از شاعران معاصر امام رضا (ع) پرداخته شده است.

مقام و منزلت شعر و شاعری نزد پیامبر (ص) و ائمه (ع)

اهمیت شعر و جایگاه آن مورد توجه پیامبر (ص) و ائمه (ع) و ناقدان شعر و ادب بوده است. شعراء، زبان ملت و تنها وسیله تبلیغاتی در آن زمان بودند، و شعر هم به دلایل بسیار، از جمله ماندگاری در حافظه و دلپذیری آن به دلیل داشتن طنین آهنگین، بر بسیاری از فنون دیگر عرب برتری داشته است. از همین روست که رسول اکرم (ص) فوق العاده شاعران را در مدح پاکان و ذم مخالفان تشویق می فرمود و به آنان که رسالت شعر را مراعات می نمودند، ارج می نهاد. به عنوان نمونه هنگامی که «عمرو بن سالم» بر پیامبر (ص) وارد شد، و شعر خود را خواند حضرت فرمود: «حقا که ما را یاری نمودی، خدا یارت باشد». (امینی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۵)

زنده ترین و سحرآمیزترین گفتارها و بیان در شعر متجلی است و جایگاه خاصی برای شعر در اغلب رشته های علم و معرفت وجود دارد. در این رابطه از حضرت رسول اکرم (ص) نقل شده است که: «ان فی البیان لسحرا و ان من الشعر لحکمه». (عبیدی، ۲۰۰۳، ص ۱۹۰).

امام صادق (ع) می فرماید: «من قال فینا بیتا من الشعر بنی الله له بیتا فی الجنة» (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۵): (هر کس درباره ما یک بیت شعر بسراید، خداوند خانه ای در بهشت برای او قرار می دهد).

وصیت امام باقر (ع) به امام صادق (ع) که: «از مال من فلان مقدار وقف کن برای نوحه سرایان که تازه ده سال در مینی موقعی که حاجیان جمع اند بر من نوحه سرایی کنند، ناظر به اهمیت شعر و استفاده از آن به عنوان وسیله تبلیغی موثری است در خدمت دین و اهداف عالی اسلامی». (آیینه‌وند، ۱۳۵۹، ص ۱۱۹).

ائمه (ع) هر چند که شاعری آلوده و بدمنش بود و از رفتار ناراضی بودند. ولی همین که افکار و اشعارچنین شعری را می دیدند که در راه هدایت و ترویج دین و بیان حقایق و فضائل و مناقب مفید است، از اعمال بدشان چشم پوشی کرده و به آن ها به دیده استرحام می نگریستند. و برایشان طلب آموزش می کردند و احساسات مؤمنین را به اطرافشان تحریک می نمودند.

ابوطالب قمی به حضرت جواد (ع) شعری نوشت که در آن از پدر بزرگوارش حضرت رضا (ع) یاد نموده بود و از آن حضرت خواست تا اجازه دهد درباره ایشان نیز شعری بگوید. حضرت شعر را از کاغذ برید و در قسمت سفید باقی مانده در بالای آن نوشت: «قد احسنت فجزاک الله خیرا اند بنی و اندب ابی» (کشی، بی تا، ۳۵۰): (نیکو سروده ای که خداوندت جزای خیر دهد، بر من و بر پدرم مرثیه بگوی).

سروده های امیرالمؤمنین (ع)، سروده های حسین بن علی (ع) در کربلا، سروده های امام سجاد (ع) در رثای پدر بزرگوارش و همچنین اشعارش امام رضا (ع) و دیگر ائمه، ترجمان توجه آنان به فضیلت شعر، تأثیر عمیق آن و جایگاه و منزلت شعر نزد خاندان رسالت است. اکنون به

شرح درون‌مایه‌های اشعار شعرای معاصر امام رضا (ع) می‌پردازیم. با توجه به این که شعرایی که درباره امام رضا (ع) شعر سروده‌اند بسیارند، در این مقاله فقط به اشعار سه تن از شعرای معاصر امام که عبارتند از: «دعبل الخزاعی، ابونواس، ابراهیم بن عباس الصولی» (دخیل، ۱۳۹۴: ۹) و در حضور آن حضرت اشعاری سروده، وصله دریافت نموده‌اند، پرداخته شده است و خلاصه مضمون اشعار هم به فارسی بیان می‌شود.

۱- ابونواس

حسن ابن هانی معروف به ابونواس در سال ۱۴۵ هجری در اهواز به دنیا آمد. (فاخوری، ۱۴۲۲، ج ۱، ۶۹۲) و شاعر ایرانی و شیعی بود. ابن منظور صاحب لسان العرب می‌گوید: «ابونواس شیعه بوده ولی تقیه می‌کرد و به اهل بیت رسول الله (ص) تمایل زیادی داشت و جرأت اظهار دوستی اهل بیت را به طور علنی نداشت.» (امین، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۳۳۴)

ابونواس نقش مهمی در پیشرفت ادبیات شیعه داشت و از بارزترین شعرای عصر عباسی است. و چون از احساس ادبی رقیق و توصیف دقیق و اسلوب زیبا بهره‌مند بود می‌توانست در جامعه تأثیر زیادی بگذارد. دیوان شعری دارد که «شیخ آقا بزرگ تهرانی آن را از تصانیف شیعه ذکر می‌کند.» (آقایزگ تهرانی، ۱۴۰۸، ج ۳، ۱۴۰)

ابوسهل اسماعیل بن نوبختی نقل می‌کند «که عمومیم به من گفت، ابونواس گفتم که بی‌شرم‌تر از تو ندیدم، درباره هر معنی و مفهومی شعر گفتمی، خمیریات و طردیات را ترک نکردی ولی درباره امام رضا (ع) که در زمان تو است، شعری نسرویدی. ابونواس جواب داد: امام در مرتبه بالایی قرار دارد و من شعری در باره او نسرودم مگر به خاطر اکرام و تعظیم آن حضرت، و در شأن و منزلت من نیست که در باره آن امام همام شعر بسرایم.» پس بعد از چند لحظه چنین سرود:

قیل لی انت أحسن الناس طراً	فی فنونٍ من الکلام النبیه
لک من حبد القریض مدیح	یُثمرُ الدرّ فی یدِی مُجتنبیه
فعلی ما ترکت مدح ابن موسی	و الحضال التي تجمّعن فیه
قلت لا أستطیع مدح امام	کان جبرئیلُ خادمًا لایبیه

شاعر در این ابیات در پاسخ این سوال که چرا درباره امام رضا (ع) چیزی نگفتی، با استناد به حدیث معروفی می‌گوید: که من در ستایش از امامی که جبرئیل خدمتگذار پدرش بوده است، راه به جایی نتوانم بردن. (ابن منظور، ۱۴۲۴، ۲۴۵) بیت آخر را ابونواس از حیث معروفی اقتباس می‌کند که خلاصه‌اش چنین است: جبرئیل گهواره امام حسین (ع) را در کودکی هنگامی که مادرش زهرای اطهر (س) به کارهایش مشغول بود، تکان می‌داد و امام حسین (ع) در گهواره گریه

می‌کرد و جبرئیل گهواره را تکان می‌داد تا آن حضرت گریه نکند. و ابونواس با توجه به این حدیث می‌گوید: «کان جبرئیل خادماً لِأَبِيهِ».

علی بن ابراهیم بن هاشم از پدرش روایت کرد که ابو الحسن محمد بن یحیی فارسی گفت: «یک روز نگاه ابونواس به امام رضا (ع) افتاده، در حالی که آن حضرت بر روی قاطری سوار و از نزد مأمون خارج شده بود. ابونواس به امام نزدیک شد، و سلام کرد و گفت: ای فرزند رسول خدا، ابیاتی درباره شما سروده‌ام دوست دارم این ابیات را بشنوی. امام فرمودند: بگو. و ابونواس چنین سرود:

مطهرون نقیاتُ ثیابَهُمْ	تجری الصلوهُ علیهمُ اینما ذکرُوا
من لم یکنْ علویاً حینَ تَنسِبُهُ	فما لَهُ فی قدیمِ السَّدرِ مُفْتَخِرُ
فالا لله لَمَّا بَرَى خَلْقاً فَاتَّقَنَهُ	صفاً کُموً و اصطفاکمُ أیها البشرُ
فأتتم الملاً الأعلى و عندکم	علمُ الکتابِ و ما جئتُ بِهِ السُّورُ

در این ابیات، شاعر امام رضا (ع) را از خاندانی می‌داند که پاک و پاکیزه و پاک دل‌هایی هستند که، هر کجا نامشان برده شود، درود و سلام بر آنان جاری می‌گردد. و ادامه می‌دهد، «هر کس در نسب خود، علوی نباشد، مایه‌ای برای افتخار و مباهات ندارد. خداوند، از آن هنگام که مخلوقات را آفرید و استواری‌شان داد، شما را پاک و برگزیده قرار داد. ای انسان‌های برگزیده، همانا شما «ملاً اعلی» هستید و در نزد خود علم کتاب و آنچه را که در سوره‌های قرآن آمده است، یکجا دارید». مفهوم کلام ابونواس این است که ائمه معصوم هستند، به جهت این که به عقیده شیعه امامان معصومند.

در پایان این ابیات امام فرمود: اشعاری سروده‌ای که کسی بر تو پیشی نگرفت و به غلامش فرمود: چیزی از نفقه همراهت هست. غلام گفت: سیصد دینار موجود است. امام فرمود: سیصد دینار را به ابونواس بده. پس آن حضرت ادامه داد، شاید سیصد دینار کم باشد، پس یک قاطر هم به او بده». (صدوق، ۱۳۶۳، ۱۴۳)

ابوالعباس محمد بن یزید مبرد نقل می‌کند که: روزی ابونواس از خانه‌اش خارج شد و سواری را در مقابلش دید، گفته شد آن شخص امام رضا (ع) بود و ابونواس چنین سرود:

أذا أبصرتک العینُ من بعد غایتِهِ	و عارض فیک الشکُّ أثبتک القلبُ
و لو انَّ قوناً أمموک لَقادَهُم	نسیمک حتی یستدلُّ بک الرکبُ

(امین، ۱۴۰۶، ۵۵)

در این ابیات شاعر، بیان می‌کند که، اگر چشم تو را ببیند و دچار تردید شود، قلب تو را اثبات می‌کند. قومی که تو را به‌عنوان امام برگزیدند تو آن‌ها را رهبری می‌کنی تا به هدایت برسند.

۲- دَعْبِلُ خُزَاعِي

«دَعْبِلُ خُزَاعِي در سال ۱۴۸ هجری در کوفه متولد شد.» (فاخوری، ۱۳۸۰، ۷۳۷) و از شعرای متعهد شیعی است که معتقد بود امامت حق علویان است. اشعار زیادی در مورد اهل بیت (ع) سروده است. شاعری خوش طبع و دارای بینش عمیق و ژرف نگر بود. محمد بن قاسم بن مهرویه می‌گفت: از پدرم شنیدم که می‌گفت: «شعر به دَعْبِلُ خُزَاعِي خاتمه یافت.» (امینی، ۱۳۶۶، ج ۴، ۲۷۵). دَعْبِلُ در فضائل ال‌علی (ع) و در رثای امام حسین (ع) و امام رضا (ع) سروده‌های بسیاری بر جای نهاده است. «قصیده‌ی تائیه دَعْبِلُ از بهترین نوع شعر و شکوهمندترین نمونه مداحی است که درباره خاندان پیامبر (ص) سروده اند.» (اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ۲۹) اهمیت این قصیده فراوان است و بر آن شروحاتی نوشته است، مهم‌تر از همه اشاره‌ای است که در آن، آن هم در زمان دَعْبِلُ به امام عصر (ع) رفته است. «گفته شده است که دَعْبِلُ وصیت کرد که قصیده تائیه را در قبرش نهند.» (فاخوری، ۱۳۸۰: ۷۴۰). «این شاعر انقلابی و متعهد در سال ۲۴۶ هجری به دست مأموری در قریه‌ی شوش در خوزستان شهید شد.» (مقرم، ۱۳۷۰، ۱۱۰). دَعْبِلُ در وصف مناقب و فضائل و رثای امام رضا (ع) می‌گوید: در قم که خبر وفات حضرت رضا (ع) را شنیدم، «قصیده راثیه» خود را در سوگ آن حضرت سرودم:

وَلَا أَرَى لِبَنِي الْعَبَّاسِ مِنْ عَذْرٍ	أَرَى أُمَّةً مَعْذُورِينَ إِنْ قَتَلُوا
إِنْ كُنْتَ تَرْبَعُ مِنْ دِينِ عَلِيٍّ وَطَرٍ	أَرِبَعُ بَطُوسٍ عَلَيَّ قَبْرِ الزَّكِيِّ بِهَا
وَقَبْرِ شَرِّهِمْ، هَذَا مِنَ الْعَبْرِ!	قَبْرَانِ فِي طُوسٍ: خَيْرُ النَّاسِ كُلِّهِمْ
عَلَى الزَّكِيِّ بِقَرَبِ الرَّجْسِ مِنْ ضَرِّ	مَا يَنْفَعُ الرَّجْسَ مِنْ قَرَبِ الزَّكِيِّ وَ لَا
لَهُ يَدَاهُ، فَخُذْ مَا شِئْتَ أَوْ قَدْزِرْ	هَيْهَاتَ كُلُّ أَمْرِي رَهْنٌ بِمَا كَسَبْتَ

(دیوان دَعْبِلُ، ۱۴۱۷، ۱۰۷)

دَعْبِلُ در این ابیات، می‌گوید، بنی امیه در کشتار اهل بیت (ع) می‌توانند معذور باشند، لیکن برای بنی عبّاس من عذری نمی‌بینم. و ادامه می‌دهد در کنار مرقد امام در طوس توقف نما و بدان هرگز برای طلب حاجتی در مکانی نظیر آن توقف نکرده‌ای. در حقیقت طوس را بهترین مکان برای برآورده شدن حاجات ذکر می‌کند، که اشاره به روایتی از امام رضا (ع) دارد که می‌فرماید: «انِي سَأَقْتُلُ بِالسِّمِّ مَظْلُومًا، فَمَنْ زَارَنِي عَارِفًا بِحَقِّي غَفَرَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ» (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۲، ۶۴۵): (من به زودی مظلومانه با زهر کشته می‌شوم، پس هر کس مرا با شناخت حق من زیارت کند خداوند گناهان پیشین و پسین او را می‌بخشد).

دو قبر درطوس است (که اشاره به قبر امام رضا (ع) و قبر هارون خلیفه عباسی) یکی مرقد شریف‌ترین انسان‌ها است در روی زمین و دیگری قبر شریف‌ترین انسان‌ها، و این مایه‌ی عبرت و پند است. هرگز همجواری ناپاک با پاک، ضرری به امام نمی‌رساند. زیرا هر فرد در گرو اعمال خویش است. از سخنان من پند بگیر یا رهایش کن این بیت ی به آیه ی قرآن دارد که می‌فرماید: «... كُلُّ أَمْرٍ إِيمًا بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ» (طور: ۲۲): (هر انسانی در گرو کرده‌های خویش است).

در بیت دوم اشاره به فرمایش امام رضا (ع) دارد، زمانی که هارون الرشید، در مسجدالحرام بود و حضرت رضا (ع) در بیرون بودند، شنیده شد که حضرتش می‌فرماید: «چه دور است خانه و چه نزدیک است دیدار و پیوند، ای طوس! ای طوس! بزودی من و او را کنار هم گرد می‌آوری و همانا ما همچون این دو هستیم. و این موقع، دو انگشت سبابه خویش را به هم نزدیک کرد. آنگاه که حضرت در کنار هارون مدفون گردید، هدف از این گفته روشن گردید». (ابن شهرآشوب، بی تا، ج ۲: ۳۹۵)

«دعبل خزاعی» وقتی «قصیده تائیه» خود را به نظم کشید آهنگ دیدار حضرت رضا (ع) را نمود و به جانب خراسان عزیمت کرد. چون به خدمت حضرت درآمد، عرض کرد: «با خود سوگند یاد کرده‌ام که آن را قبل از شما برای هیچکس نخوانم. حضرت فرمود: آن را بخوان». (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۲، ۲۶۳)

سپس دعبل آغاز به خواندن شعر کرد، تا آن که بدین بیت رسید.

و قبرُ بَغدادٍ لِنَفْسٍ زَكِيَّةٍ تَضَمَّنَهَا الرَّحْمَنُ فِي الْغُرَفَاتِ

(دیوان دعبل، ۱۴۱۷، ۶۱)

شاعر در این بیت، اشاره به قبر موسی بن جعفر (ع) دارد، که آن نفس پاکیزه را خداوند در غرفه‌های بهشت، فرو گرفته است. سپس امام رضا (ع) فرمود: آیا در اینجا، دو بیت به اشعار تو نیفزایم تا قصیده‌ات تکمیل گردد؟ «دعبل» عرض کرد: بفرمائید. پس حضرت فرمود:

و قبرُ بطوسٍ یا لَهَا مِنْ مَصِيبَتِهِ تَوَقَّدَ فِي الْأَحْشَاءِ بِالْحُرَقَاتِ
إِلَى الْحَشْرِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمًا يَفْرَجُ عَنَّا اللَّهُمُّ وَالْكَرْبَاتِ

(صدوق ۱۳۶۳، ج ۲، ۲۶۴، ۲۶۳)

امام می‌فرماید: در طوس قبری است که از مصیبت جانکاهش، چه شعله‌های آتشین بر جان و دل می‌زند. تا روز حشر، هنگامی که خداوند «قائم را برانگیزاند که غم‌ها و اندوه ما را از میان برمی‌دارد.» دعبل گفت: این قبر از آن کیست؟ حضرت فرمود: «هو قبری و لا تنقضی الایام و اللیالی حتی تصیر طوس مختلف شیعی و زواری آلا و من زاری فی قربتی بطوس کان معی فی در جتی یوم القیامه مغفوراً له.» (ابن شهر آشوب، بی تا، ۳۳۹): (آن قبر از آن من است. شب‌ها و

روزها به پایان نمی‌رسد مگر آن که طوس، محل آمد و شد شیعیان و زائران من می‌گردد. هان! هر کس مرا در غربت گاهم طوس، زیارت کند، روز رستاخیز همراه من در درجه‌ام خواهد بود؛ در حالی که گناهانش بخشیده شده باشد.) و چون «دعبل» این بیت را خواند:

أرى فيهم في غيرهم متقسماً و أيدهم من فيهم صفرات

(دیوان دعبل، ۱۴۱۷، ۶۳)

شاعر در این بیت اشاره دارد به این که حقوق و اموال اهل بیت (ع) در میان غیر تقسیم می‌شود و دستان ایشان را از حق و مال خویش خالی می‌بینم. حضرت علیه‌السلام گریست و فرمود: «که راست گفته‌ای ای دعبل، تمامی حقوق ما را به غارت بردند، اول فدک را غصب کردند، و جانشینان بعدی از خلفای جور آنچه را که خاندان پیامبر (ص) داشتند، چپاول کردند.» (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۲، ۲۶۳)

وقتی دعبل این بیت را قرائت کرد:

إذا وتروا مدوا إلى و اترهيم
أكفا عن الأوتار منقيضات

(ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۴، ۳۳۸)

هنگامی که جنایت و ظلمی به ایشان می‌رود، دست‌هایی را به سوی ظالم می‌گشایند که از انتقام، بازداشته شده است. در این بیت، شاعر اشاره می‌کند که: کسی از هیأت حاکمه جور گوش به شکایت و حرف آنان نمی‌دادند، و مردم زمان نیز از ترس حکام بنی امیه و بنی العباس هیچگونه عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دادند. وقتی دعبل این بیت را در حضور امام (ع) خواند. امام رضا (ع) دست‌های مبارک خود را به پشت و رو چرخاند، فرمود: «أجل و الله منقيضات» (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۲، ۲۶۳): (آری به خدا سوگند، دست‌های ما از گرفتن انتقام بسته شده است).

بعد از این که اشعار دعبل به پایان رسید، برپاخواست و به «دعبل» فرمود: «که از جای خویش حرکت نکند و بعد، صد دینار رضوی به همراه خادم به سوی دعبل فرستاد. «دعبل» گفت: سوگند به خدا که من برای این نیامده و قصیده‌ام را به طمع کمکی نسروده‌ام. و کیسه دینارها را بازگرداند. اما جامه‌ای از جامه‌های حضرت را درخواست نمود تا بدان تبرک بجوید. حضرت رضا (ع) کیسه پول را با جامه‌ای بلند از خز برای او فرستاد و به خادم پیغام داد که به او بگویند، به زودی به کیسه‌ی زر محتاج می‌شوی، پس آن را نزد من باز نفرست. «دعبل» به فرمان امام، کیسه زر و جامه را گرفت» (مقرم، ۱۳۷۰، ۱۰۹)

دعبل در قصیده‌ی «ألا أيها القبر الغريب» در رثای امام (ع) چنین سروده است:

ألا أيها القبرُ الغريبُ محلُّهُ بطوس، عليك الساريات هتونُ
بك العِلْمُ والتقوى، بك الحلمُ والحجى، بك الدينُ و الدنيا، وأنت ضمينُ

(دیوان دعبل، ۱۴۱۷، ۱۷۸)

دعبل در این قصیده می‌گوید که امام رضا (ع) در خراسان غریب است و اشک‌ها بر او ریزان و جاری است. و آن حضرت را معدن علم و تقوی و عقل و خرد و دین و دنیا می‌داند و به‌عنوان ضامن و کفیل معرفی می‌کند.

۳- ابراهیم بن عباس الصُّولی

شاعر و نویسنده و دولتمرد ایرانی تبار «در سال ۱۷۶ در بغداد به دنیا آمد و در همان جا رشد و نمو کرد و در سامرا در سال ۲۴۳ هجری از دنیا رفت». (معلوف، ۱۹۸۲، ج ۲، ۴۲۸).

مدّاح اهل بیت بود و به تشیع گرایش داشت و در مدح امام رضا (ع) اشعار عالی سرود. او را بهترین نویسنده و شاعر شمرده‌اند. مقام ابراهیم در شعر چنان بود که «دعبل خزاعی» می‌گفت: «اگر ابراهیم دولتمرد نمی‌شد و به شاعری می‌پرداخت، گرسنه می‌ماندیم.» (اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۲۵)

از آثار او «دیوان شعر و دیوان رسائل و کتاب العطر و کتاب الطبیخ و کتاب بزرگ «الدولة» را می‌توان نام برد. «(همان، ج ۲، ۲۲۶)

هارون بن عبدالله مهلبی نقل می‌کند: «هنگامی که امام رضا (ع) به ولایت عهدی برگزیده شد، ابراهیم بن عباس نزد امام رفت و چنین سرود:

ازالت عزاء القلب بعد التجلّد مصارعُ اولادِ البنیِّ محمّدُ

(همان، ۱۳۷۴، ج ۲، ۲۳۲)

شاعر در مطلع این قصیده ذکر می‌کند که مصایب اولاد پیامبر (ص) آرامش و قرار دل را بعد از صبر و شکیبایی زایل کرد. «امام رضا (ع) شعر او را شنید و ده هزار درهم، از همان سکه‌هایی که به نام او زده بودند به وی صلّه داد. ابراهیم از آن پس مهر زنان خود را از آن مال می‌پرداخت و مبلغی را برای هزینه‌ی کفن و دفن و حمل جنازه خود به گورستان ذخیره کرد.» (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۴۲)

و در قصیده‌ای دیگر چنین می‌سراید:

ألا إنّ خیرَ النَّاسِ نفساً و والداً ورهطاً وأجداداً علیّ المعظم
أنتنا به للعلم والحلم ثامنا اماماً یؤدّی حجة الله «تکتّم»

(ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۴، ۳۳۲)

شاعر در این ابیات، اجداد و پدر و مادر امام (ع) را از بهترین مردمان در شرف و بزرگی ذکر می‌کند. و در بیت بعدی مساله امامت را متذکر می‌شود که امام رضا (ع) هشتمین امام و فرزند «تکتّم» است. لقب مادر امام رضا (ع) «نجمه» و از اشراف عجم بود. و «حاکم ابوعلی می‌گوید: دلیلی که نام مادر امام رضا (ع) تکتّم است، قول ابراهیم بن عباس در این بیت

است. «(مقرّم، ۱۳۷۰، ۲۳) و همچنین یادآوری می‌کند، که امام رضا (ع) معدن علم و دانش و صبر و بردباری است. ابراهیم بن عباس صولی به امام رضا (ع) خطاب می‌کند و او را بر مأمون برتری می‌دهد و چنین می‌سراید:

کفی بِفَعَالٍ امری ۱ عالم	علی اهلہِ عادلاً شاهداً
أری لهم طارفاً مونقاً	و لایشبه الطارف التالدا
یمنُ علیکم با موالکم	و تعطون من میاهِ واحدا
فلا یحمدالله مستنصرا	یکون لأعدائکم حامدا
فضلت قسیمک فی قعدد	کما فضل الوالد الوالدا

(صدوق، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۵ و ۱۶)

در این قصیده می‌گوید که امام (ع) از خانواده سخاوتمند و بزرگواری است که مجد و عظمت و بزرگی اصیلی دارند و مأمون که از عباسیان است مجد ظاهری و عرضی دارد. مجد و عظمت اصلی و ذاتی کجا؟ و مجدظاهری کجا؟ و خداوند دشمنان شما را گرامی نمی‌دارد. همچنین در ادامه می‌گوید که امام رضا (ع) و مأمون از نظر آباء و اجداد در انتساب به عبدالمطلب با هم مشترک بودند و بیان می‌کند که پدر تو بر پدرش عبدالله بن عباس برتری دارد. و در قصیده دیگری می‌گوید:

لبست بالعفة ثوب الغنی	و صرتُ أمشی شامخ الرأس
لستُ الی النسناسِ مُستأنساً	لکننی أنسُ بالناسِ
أذا رأیتُ التیة من ذی الغنی	تهتُ علی التائه بالیأس
ما إن تفاخرت علی مُعدم	و لا تضعضت لافلاس

(ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۴، ۳۶۱)

شاعر در این ابیات، امام را پاکدامن و عقیف و سربلند می‌داند و یار و یاور خلق ذکر می‌کند، در مقابل تکبر و خود خواهی متکبرین، دوری نموده و بر فقیر و مسکین افتخار نمی‌ورزید. ابراهیم بن عباس در اشعار فوق از فرمایش علی (ع) اقتباس نموده است: «ما أحسن تواضع الأغنیاء للفقراء طلباً لما عندالله! و أحسن منه تیهة الفقراء علی الأغنیاء اتکالاً علی الله» (نهج البلاغه، حکمت: ۴۰۶): (چه نیکوست فروتنی توانگران برابر مستمندان، برای به دست آوردن پاداش الهی، و نیکوتر از آن خویشتن‌داری مستمندان برابر توانگران برای توکل به خداست).

«ابراهیم بن عباس اشعار زیادی در مدح امام رضا (ع) سروده است. به خاطر ترس از دشمنان

آن را مخفی کرد.» (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۱، ۱۶)

نتیجه‌گیری

- * شاعران معاصر امام رضا (ع) با الفاظی رسا و زیبا در اشعار خود به فضائل و مناقب حضرت اشاره نمودند.
- * ابونواس در بین شاعران بررسی شده بیشترین شعر را درباره حضرت سروده‌اند.
- * آذین بندی سخن و شعر به فضائل و مناقب ائمه (ع) شیوه‌ای پسندیده و گونه‌ای اعتقاد و احترام به امامان بزرگوار است.
- * مقام علمی و برتری نژاد پاکش و برگزیده شدن آن حضرت از جانب خداوند در اشعار تبیین شده است.
- * مظلومیت و حقانیت امام رضا (ع) از جمله مطالبی است که در اشعار شاعران مورد استناد واقع شده است.
- * مصایب و مشکلات ائمه معصومین (ع) و غریبی امام رضا (ع) هم از جمله مسائلی است که در اشعار اشاره گردیده است.
- * سخاوتمندی و تواضع امام و مجد و عظمتش در اشعار شاعران بررسی شده به صراحت وجود دارد.
- * استناد به برخی از احادیث مروی از ائمه معصومین در اشعار شاعران معاصر امام به روشنی وجود دارد.
- * دفاع از امامت و ولایت از اهداف همه شاعران معاصر حضرت بود که در شعرشان اشاره گردیده است.
- * برتری سرزمین طوس به خاطر وجود مرقد مطهر حضرت هم از جمله مطالبی است که در اشعار شاعران مورد توجه قرار گرفته است.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه، ۱۳۸۰، ترجمه محمد دشتی، تهران، اوج علم.
- ۳- آئینه وند، صادق، ۱۳۵۹، **ادبیات انقلاب در شیعه**، ج ۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۴- ابن شهر آشوب، ابوجعفر، بی تا، **مناقب آل ابی طالب**، ج ۴، قم: انتشارات علامه.
- ۵- ابن منظور، ۱۴۲۴، **نوادیر ابی نواس**، تحقیق یوسف البقاعی، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۶- اصفهانی، ابوالفرج، ۱۳۷۴، **الأغانی**، ج ۲، ترجمه محمد حسین مشایخ فریدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۷- امین، محسن، ۱۴۰۶، **اعیان الشیعه**، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

- ۸- امینی، عبدالحسین، ۱۳۶۶، **الغدیر فی الكتاب والسنة والادب**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۹- تهرانی، آقا بزرگ، ۱۴۰۸، **الذریعة ألی تصانیف الشیعه**، قم: موسسه اسماعیلیان.
- ۱۰- خزاعی، دعبل بن علی، ۱۴۱۷، **دیوان، شرح ضیاء حسین اعلمی**، بیروت: موسسه النور للمطبوعات.
- ۱۱- دخیل، علی محمد علی، ۱۳۹۴، **الامام علی بن موسی الرضا**، لبنان، بیروت: دارالتراث الاسلامی.
- ۱۲- شریف مرتضی، علی بن الحسین، ۱۳۷۳، **الامالی**، ج ۱، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بی جا: دار إحياء الکتب العربیه.
- ۱۳- صدوق، محمدبن علی حسین، ۱۳۶۳، **عیون اخبار الرضا**، تصحیح سید مهدی حسینی، قم: کتاب فروشی طوس.
- ۱۴- العبیدی، محمد بن عبدالرحمن بن عبدالمجید، ۲۰۰۳، **التذکره السعدیه فی الاشعار العربیه الموسوعه الشعریه**، ابوظبی: مجمع الثقافی.
- ۱۵- فاخوری، حنا، ۱۴۲۲، **الجامع فی تاریخ الادب العربی**، ج ۱، بی جا: انتشارات ذوی القربی.
- ۱۶- کشی، ابوعمرو محمدبن عبدالعزیز، رجال، کربلا، بی تا، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۱۷- معلوف، لويس، ۱۹۸۲، **المنجد فی الاعلام**، ج ۲، بی جا، بی نا.
- ۱۸- مقررّم، سید عبدالرزاق، ۱۳۷۰، **نگاهی گذرا به زندگانی امام رضا (ع)**، ترجمه مرتضی دهقان، بی جا: انتشارات میقات.